

اقتصاد

روزنامه صبح ایران



به جای افزایش قیمت بنزین ردیف‌های هزینه‌ای ناکارآمد بودجه حذف شود

افزایش قیمت راه جبران گران تمام‌شدن تولید بنزین نیست!

صفحه ۴

پس از کاهش مقطعی التهاب به بازار برنج برگشت

در جست‌وجوی آرامش!

است. گزارش‌ها حاکی‌اند که قیمت هر کیلو برنج طارم به ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان و سایر انواع برنج ایرانی به ۲۰۰ تا ۲۸۰ هزار تومان رسیده است. برنج‌های وارداتی نیز با نرخ ۱۴۰ تا ۱۶۰ هزار تومان برای برنج پاکستانی و ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان برای برنج هندی عرضه می‌شوند که نسبت به آغاز فصل برداشت، ۵۰ تا ۸۰ هزار تومان افزایش داشته‌اند. انتظار می‌رود تشدید نظارت‌ها و واردات به موقع، بتوانند از شدت این نوسانات بکاهند و برنج با قیمتی واقعی به دست مصرف‌کنندگان برسد.

بر اساس آمارها، هر ساله کشور به ۳٫۲ میلیون تن برنج نیاز دارد که از این میزان، حدود ۲ میلیون تن در داخل تولید می‌شود و مابقی از طریق واردات تأمین می‌گردد.

شرح در صفحه ۵

تهدید شبکه آب شرب جدی است	هم‌نوایی اردوغان با ترامپ برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی ترکیه	موانع فرهنگی و قانونی بالاخره برداشته خواهد شد؟
ایران تشنه است خیلی تشنه	طراحی بازی جدید آمریکا برای منطقه	سه دو، یک حرکت...
صفحه ۸	صفحه ۷	صفحه ۳

سخت‌نخست

به‌قلم: پروین قائمی	نظم، زبان خاموش مدنیت
از هرچ‌ومرج قبیله‌ای بیرون آورد و هویت انسانی را با مسئولیت گره زد. نظم: فراتر از ساعت و تقویم	«اَوْصِبْکِمَا یَتَّقَوْنَ اللّٰهَ وَنَظْمُ اَمْرُکُمْ»؛ این وصیت امیرالمؤمنین(ع) در آخرین لحظات حیات دنیوی است؛ جمله‌ای کوتاه در قامت یک رساله تمدنی، در میان همه وصایای ممکن، ایشان «نظم» را کنار «تقوا» نشانده؛ یعنی میان اخلاق و ساختار، پیوندی ناگسستنی برقرار کرد. نظم در نگاه ایشان نه فقط چینش بیرونی امور، بلکه سامان درونی ذهن و دل بود؛ همان وحدتی که جامعه مسلمان نخستین را

به‌قلم: سید عبدالجواد موسوی

از بیخ و بن غلط است. طراحان چنین سئوالاتی اگر نگوییم آدم‌های بیمار و مزدوری‌اند دست‌کم می‌توانیم گفت از عقل و خرد بهره‌ای ندارند. از آن‌ها توقع چندان نمی‌توان داشت اما از اهل فضل می‌توان متوقع بود وارد چنین بحث مبتذل و پیش‌پاافتاده‌ای نشوند. هیچ چیزی مهم‌تر از مردم وجود ندارد و با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان و نباید به مردم و خواسته‌هایشان بی‌اعتنا ماند. امنیت مردم هم شوخی‌بردار نیست و هیچ‌کس حق ندارد با ساختن دوقطبی‌های ابلهانه‌ای مثل موشک و مردم با امنیت آن‌ها شوخی کند. همان‌طور که به بهانه فراهم‌آوردن امنیت مردم نباید از معیشت و نظم و سامان و تأمین آزادی‌های فردی و جمعی مردم غافل شد به بهانه احترام به مردم هم نباید از توانمندی و اقتدار نظامی کشور دست کشید. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. همه حرف این است. به قول خواجه شیراز: تیغ سزاست هرکه را فهم سخن نمی‌کند.	پنهان می‌کنند این بارهم می‌خواهند به بهانه مردم، پایه‌های قدرت خودشان را مستحکم‌تر کنند اما متأسفانه این تحکیم قدرت مساوی است با پر باد رفتن امنیت این سرزمین و مردمانش. جالب این‌که هر دو طرف هم به مثال‌هایی استناد می‌کنند تا ظاهر سخن معقول‌شان را به تجربه‌های تاریخی پیوند زنند و شاهی برای اثبات مدعایشان بیاورند. یکی از کشورهای مثال می‌زند که سرمایه‌ای جز موشک و بمب‌هسته‌ای ندارد و مردمش به ظاهر در امنیت روزگار می‌گذرانند و دیگری از کشوری که مردمانش در راه و آسایش بسر می‌برند و فاقد موشک و هروگونه سلاح بازدارنده‌ای است. هر دو طرف هم به عمد نمی‌گویند که آن دو کشور در چه شرایطی به سر می‌برند و از اصل و اساس موقعیتشان با ما متفاوت است. توضیح واضح‌ات ندهم. به نیت خیر مدافعان موشک و مردم کاری ندارم. چزی که مهم است این که: ساخت چنین دوقطبی‌ای
---	---

به‌قلم: نوذر شفیعی

تواند در تعارض با چین قرار بگیرد، زیرا آمریکا و هند دو رقیب مهم برای چین هستند.

در عین حال پاکستان و چین قوی‌ترین روابط استراتژیک را دارند. در این شرایط است که ملاحظات امنیتی متعددی برای ایران نیز ایجاد می‌شود.

درخصوص ادعای طالبان مبنی بر حضور گروهک تروریستی داعش در خاک افغانستان باید تأکید کرد که درحال حاضر ظاهر این مسئله اینگونه است که طالبان با مرکز دچار مشکل است و وقتی یک نیرو با یک دولت مرکزی دچار چالش است، کشورهای دیگر از این نیرو استفاده می‌کنند، در نتیجه هیچ بعید نیست که داعش در خاک پاکستان حضور داشته باشد و از داخل خاک پاکستان اقداماتی علیه افغانسان انجام دهد.

البته پیش از اینکه طالبان قدرت را بدست بگیرد، منطقه خبیر پختونخواه و به خصوص منطقه قبایلی، مقر بسیاری از گروه‌های تروریستی بود که داعش از میان برخی از همین گروه‌ها تشکیل شده‌است.

لازم به ذکر است که بخشی از این گروه‌ها شامل عرب‌هایی هستند که از سوریه و عراق آمده اند، بخش دیگر شامل قسمتی از اعضای ناراضی طالبان است، بخش دیگر آن هم مربوط به تحریرالاشام و نهضت ترکستان شرقی است. اگر فرض را بر این بگذاریم که میان داعش و طالبان تنش وجود دارد، پس در نتیجه ممکن است که پاکستان هم برعلیه افغانستان از داعش استفاده و آن را تقویت کند. هر چند این موارد یک فرض است اما نه یک فرض محال. پاکستان حتی اگر رابطه‌ای با داعش نداشته باشد، بی‌میل هم نیست که از آن علیه افغانستان استفاده کند.

آن که بر اهمیت مردم و اولویت آن بر موشک پافشاری می‌کند در واقع می‌خواهد از دموکراسی و نقش اکثریت در تعیین سرنوشتش دفاع کند. او فکر می‌کند مدافعان موشک به بهانه دفاع از امنیت ملی و حفظ تمامیت‌ارضی، می‌خواهند این سرزمین را همواره در حالت جنگی تعریف کنند تا نقش مردم را در تعیین سیاست‌های کلان کشور کمرنگ کنند. درست هم می‌گوید. کم نیستند کسانی که با دمیدن در فضای جنگ و بزرگ‌نمایی نقش دشمن در عقب‌ماندگی و معضلات این سرزمین می‌خواهند حاکمیت مادام‌العمر خود را تضمین کنند و از مفاهیمی مثل توسعه سیاسی و دموکراسی هراسان‌کند. از آن طرف هم کسی که بر اهمیت موشک و اولویت آن بر مردم تأکید دارد به اهل سیاست چندان اعتمادی ندارد. او فکر می‌کند سیاستمداران که اعتقاد چندان‌ی به مردم ندارند و همواره متاعم حزبی و فردی خود را در پس شعارهای مردمی

از میان همه دوقطبی‌هایی که در این سال‌ها ساخته و پرداخته شده‌اند مضحک‌ترینشان دوقطبی موشک و مردم است. موشک مهم‌تر است یا مردم؟ عجیب این‌که کسانی وارد این بازی مضحک می‌شوند و به آن پاسخ می‌دهند که به ظاهر دوزار عقل دارند. کسانی که اغلب مدعی فهم سیاسی‌اند و می‌خواهند در زمانه‌ای که همه چشم‌اندازها به حیرت ختم می‌شود چراغ راه من و شما باشند.

آن که می‌گوید موشک مهم‌تر است از مردم آیا نمی‌فهمد که همین موشک‌ها اگر به کار دفاع از مردم نیابند هیچ معنا و مفهومی ندارند؟ آن‌ که می‌گوید مردم مهم‌تر از موشکند آیا نمی‌فهمد اگر موشکی در کار نباشد نمی‌توان از همین مردم دفاع کرد؟ فهم چنین بدبیهاتی نیاز به هوش و عقل ویژه‌ای ندارد اما در عصر گسسته‌خردی و لچپازی‌های کودکانه و گاه احمقانه سیاسی این حرف‌ها چندان عجیب هم به نظر نمی‌آید.

یادداشت

ریشه‌های درگیری میان پاکستان و طالبان

در روزهای اخیر درگیری میان نیروهای دولت موقت افغانستان با نیروهای پاکستانی با شدت گسترده‌ای آغاز شد و نظامیان دولت موقت افغانستان به پاسگاه‌های نظامی پاکستان در نزدیکی مرز دو کشور در ولایت‌های ننگرهار و کنر حمله ور شده‌اند. درگیری‌هایی که درحال حاضر در مرز پاکستان و افغانستان درحال رخ دادن است، تقریباً شدیدترین درگیری میان این دو کشور در سال های اخیر است، یعنی هم شدت و هم دامنه درگیری‌ها بسیار بالااست. از نظر شدت، پاکستان یک جنگ ترکیبی را علیه افغانستان شروع کرده که شامل عملیات زمینی و هوایی است. طالبان نیز اقدامات متقابلی انجام داده و در هفت استان مرزی با پاکستان درحال درگیری است. ضمن اینکه عملیات پاکستان به کابل کشیده شده است. در نتیجه، این درگیری از نظر شدت و دامنه، بزرگترین درگیری طی سال های اخیر میان این دو کشور است. علت اول؛ پاکستان مدعی است حملات خونباری که دراین کشور انجام می شود، توسط تحریک طالبان پاکستان فرماندهی می شود و تحریک طالبان پاکستان نیز توسط افغانستان انجام می شود، زیرا مقر این گروه در افغانستان است. طالبان این ادعا را رد می کند ولی در عمل مشخص شده که پناهگاه‌های تحریک طالبان پاکستان در افغانستان است. واقعیت این است که میان طالبان پاکستان و افغانستان یک ارتباط تنگاتنگ وجود دارد، این دو گروه از نظر قومیت، مکتب فکری، مذهب و مقررات حقوقی (شریعت) و پشتونوالی) یکسان‌اند. در زمانی که طالبان افغانستان در برابر دولت کابل می جنگید، پاکستان این گروه را تحریک و حمایت می کرد. اما درحال حاضر این اتفاق برعکس شده

یادداشت

زنان و توسعه اجتماعی و اقتصادی

به‌قلم: فریبا مجیدی / فعال اجتماعی توسعه پایدار در جامعه پیچیده و چند بعدی امروز که آماج اخبار، ابداعات و اختراعات نوین، فرهنگ ها، نظریات و سلایق مختلف قرار گرفته است، نیازمند مطالعه و برنامه‌ریزی مستمر، استفاده از تجارب بزرگان و در نهایت یاری و مشارکت همه ظرفیت های جامعه و گروه های اجتماعی مختلف است. یکی از ظرفیت های قابل اعتنا و مهم در توسعه بخشی جوامع انسانی، حضور بانوان در عرصه های مختلف اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی، مذهبی و آموزشی است.

برخی ویژگی های بانوان نظیر صبر و حوصله بیشتر و داشتن سلیقه از مهم ترین خصلت هایی است که آنها را در برخی تصمیم سازی ها و رفتارهای مدیریتی و اجرایی یاری می بخشد.

هر چند شاید احساسات آنها نیز در مواردی باعث کاهش راندمان مدیریتی و اجرایی آنها محسوب شود ولی در مجموع نقش زنان در فرایند توسعه، نقشی کلیدی و تاثیرگذار است و در ایجاد تحول در همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌شود.

با این حال باید اذعان داشت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال جهان در فرایند توسعه آن‌گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته‌اند و از این رو تلاش‌های بسیاری در سراسر دنیا آغازشده برای بهره مندی از این ظرفیت آغاز شده است.

باید پذیرفت در میان گروه‌های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان، کودکان و نیز تاثیر نیم دیگر جمعیت، یعنی مردان از مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند. در کشور ما نیز در سال های اخیر شاهد حضور چشمگیر بانوان در عرصه های مختلف به ویژه ساختار مدیریتی جامعه هستیم و ماحصل آن نیز کسب افتخارات و مقام های مختلف توسط بانوان در حوزه های اقتصادی، مدیریتی، ورزشی و ... است. زنان و مردان دو بال رسیدن به توسعه هستند و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای توسعه کامل کند مگر اینکه نیمی از جمعیت خود، یعنی زنان، در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی مشارکت فعال و تاثیرگذار داشته باشند. در حوزه اقتصاد، مشارکت زنان در نیروی کار، کارآفرینی و دسترسی به منابع مالی، نه تنها باعث کاهش فقر و افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود، بلکه به دلیل الگوهای سرمایه‌گذاری متفاوتی که زنان در خانواده دارند(تمرکز بیشتر بر آموزش و سلامت فرزندان)، منافع اقتصادی را به طور مستقیم به نسل‌های آینده منتقل می‌کند و چرخه فقر را می‌شکند. از نظر اجتماعی، زنان به عنوان اولین مربیان و حافظان سلامت در خانواده، نقشی محوری در ارتقاء سطح سواد عمومی، بهبود شاخص‌های بهداشتی (مانند کاهش مرگ و میر نوزادان و ارتقای سلامت مادران) و تقویت انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند. در مقوله آموزش نیز زنان به دلایل ذکر شده با صبر و حوصله بیشتر فرایند آموزش را پیگیری می‌کنند. علاوه بر این، حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری و مدیریتی، از پارلمان‌ها گرفته تا شوراهای محلی، به ایجاد سیاست‌هایی منجر می‌شود که عادلانه‌تر، فراگیرتر و پاسخگوی نیازهای واقعی تمام اقشار جامعه هستند و با تزریق دیدگاه‌های متفاوت، تبعیض های موجود را کاهش می‌دهند. دیدگاهی که زنان را به حاشیه می‌راند، دیدگاهی ناکامل، شکننده و ناپایدار است؛ زیرا نادیده گرفتن پتانسیل‌های زنان، به معنای نادیده گرفتن نیمی از سرمایه‌ی انسانی توانمند برای حل چالش‌های مختلف است. بنابراین، توانمندسازی زنان، از طریق دسترسی برابر به آموزش، شغل، مالکیت و نمایندگی سیاسی، سنگ بنای توسعه‌ای است که نه تنها پایدار است، بلکه عدالت و برابری را در کالبد جامعه نهادینه می‌سازد. امیدواریم با برنامه ریزی صحیح و داشتن نگاه جامع و آینده محور شاهد حضور گسترده تر و پویا تر بانوان در عرصه های مختلف باشیم و توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه که زیربنای تحول و دستیابی به آرمان های اجتماعی است، محقق شود.